



شهریار نامه

سروده مختاری (دوره صفوی)

تصحیح و تحقیق
رضا غفوری

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور شهریارنامه / [مختاری]؛ تصحیح رضا غفوری.
مشخصات نشر تهران: انتشارات دکتر محمود افشار یا همکاری نشر سخن، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری ۸۹۵ ص.
فروست مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موفقات دکتر محمود افشار؛ ۲۰۷
شابک ۱-۷۸-۵۹۴۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی فیبا
یادداشت نمایه .
موضوع شعر فارسی -- دوره صفویه قرن ۱۲-۱۰ ق.
موضوع Persian poetry -- 16-18th century
شناسه افزوده غفوری، رضا، ۱۳۶۰-، مصحح
رده بندی کنگره PIR۶۱۲۱/۵/ش۹۱۳۹۷
رده بندی دیویی ۸۱۱/۴
شماره کتابشناسی ملی ۵۱۵۷۳۱۸

شهریار نامه

سروده مختاری (دوره صفویه)

تصحیح و تحقیق

دکتر رضا غفوری



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۵۸]

گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری

درگزشتگان



هیأت گزینش کتاب و جوایز

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



شهریار نامه

سروده مختاری (دوره صفویه)



دکتر رضا غفوری	تصحیح و تحقیق
کاوه حسن بیگلو	گرافیک، طراح و مجری جلد
زینب نورپور جویباری	صفحه‌آرا
کوثر	لیتوگرافی
دایره سفید	چاپ متن
حقیقت	صحافی
۱۱۰۰ نسخه	تیراژ
۱۳۹۷	چاپ اول

ناشر
انتشارات دکتر محمود افشار
خیابان ولی عصر، بالاتر از چهارراه پارک وی، خیابان عارف نسب
تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما: ۲۲۷۱۳۹۳۶
با همکاری انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
تلفن: ۵-۶۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲
تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها
۵-۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ وقفنامه)

متولیان منصوص

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)
سید محمود دعایی - دکتر علی محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر)
ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

موسسه فرهنگی هنری دکتر محمود افشار

دکتر سید مصطفی محقق داماد رئیس هیأت مدیره - دکتر محمد افشین وفاپایی مدیر عامل - آرش افشار بازرس

درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار
مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر محمد علی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

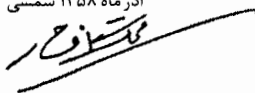
هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هریک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تقدیم به دو دوست شاه‌نامه‌شناس:

دکتر ابوالفضل خطیبی

دکتر سجاد آیدنلو



❖ فهرست مطالب ❖

۲۵		سرآغاز
۲۹		مقدمه
۱۹۳		متن منظومه
۱۹۵		[آغاز داستان شهریار پسر برزو]
۱۹۷		[رفتن پهلوانان به نخچیرگاه و گفت وگویی آن‌ها بر سر نخچیر]
۲۰۱		[قهر کردن شهریار و رفتن از زابل]
۲۰۴		رسیدن شهریار به سرند و بردن سوداگر او را به خانه خود و بیمار شدن شهریار
		زدن شهریار قباقر را و کشتن پیل مست را از پشت و نوکر شدن شهریار پیش
۲۰۷		ارژنگ شاه
۲۱۲		پرسیدن شهریار که [توبال] کیست و بیان نمودن ارژنگ
		دادن ارژنگ شاه دختر خود را به شهریار برزوی و ظاهر کردن پیش ارژنگ که من شهریار
۲۱۴		پسر برزوی سهراب‌ام
۲۱۶		لشکر آراستن ارژنگ به جنگ توبال
		آمدن زرقام به میدان و رفتن الماس در برابر او و کشتن الماس زرقام را و آمدن توبال و
		کشتن الماس و کندر را و برآشفتن شهریار و در جنگ رفتن و رزم خواستن شهریار
۲۱۷		برزوی
		جنگ کردن شهریار با توبال و کشته شدن فیل توبال و گریختن توبال از جنگ شهریار
۲۱۹		برزوی
۲۲۱		جنگ مغلوبه شدن میان سپاه ارژنگ شاه و توبال

- ۲۲۱ کشتن توبال قمهور پسر ارژنگشاه را و رفتن شهریار و گریختن توبال
- ۲۲۲ ماتم داشتن ارژنگ برای قمهور به سبب کشته شدن پسر خود
- ۲۲۳ گرفتن شهریار عاس را و دادن عاس قلعه دزمال را
- ۲۲۶ کشتن کنارنگ نیو را
- ۲۲۷ کشتن شهریار کنارنگ [را]
- ۲۲۹ جنگ مغلوبه شدن و کشتن شبرنگ سیپور را
- ۲۳۰ رفتن شهریار به سپاه هیتال و جنگ کردن
- ۲۳۴ کشتن شهریار شبرنگ را
- ۲۳۹ نامه نوشتن [هیتال به] جمهور و روانه شدن جمهور
- ۲۴۰ رفتن ارژنگ به شکار و به در رفتن شهریار در پی گور
- ۲۴۱ رسیدن شهریار به قلعه عنبر و گرفتار شدن در طلسم
- ۲۴۵ آمدن مرجانه پیش شهریار و خواستن کام دل
- ۲۴۷ رفتن عاس به لشکر هیتال و کشتن ماهان را و رسیدن جمهور به لشکر هیتال
- ۲۵۰ لشکر کشیدن هیتال
- ۲۵۱ لشکر آراستن ارژنگ و کشتن فرهنگ شیرویه را
- ۲۵۲ کشتن زرفام فرهنگ را
- ۲۵۳ جنگ مغلوبه شدن و گریختن ارژنگ و لشکر کشیدن [به کوه]
- ۲۵۴ شکستن شهریار طلسم را
- ۲۶۰ گرفتن شهریار فرانک دختر هیتال را
- ۲۶۴ آگاه شدن شهریار از مکر و دستان شیرافکن
- ۲۶۵ رفتن شهریار به شکار و کشتن شیرافکن را
- ۲۶۷ رسیدن سپاه ارژنگ شاه و خبر دادن از حال او
- ۲۶۸ رسیدن شهریار به طلایه هیتال شاه و شکستن و رفتن پیش ارژنگ شاه
- ۲۷۳ کشته شدن زرفام به دست شهریار
- ۲۷۵ برگشتن هر دو لشکر از هم دیگر و آوردن شهریار جمهور را به پیش ارژنگ شاه
- ۲۷۸ شناختن شهریار مرجانه جادو را

فهرست مطالب ۱۵

۲۸۱	رسیدن نامه هیتال شاه به ارژنگ شاه
۲۸۱	جواب نامه نوشتن ارژنگ شاه به هیتال شاه
۲۸۲	گرفتن عاس شهریار را و بردن پیش هیتال شاه
۲۸۴	بند افتادن شهریار در زندان سرانندیپ
۲۸۵	رزم کردن ارژنگ شاه با هیتال شاه و شکست خوردن ارژنگ شاه
۲۸۸	نامه نوشتن ارژنگ شاه به زنگبار و یا ری خواستن
۲۸۹	آمدن ارژنگ شاه با سپاه بر سر هیتال شاه
۲۹۱	بند پاره کردن شهریار در بارگاه هیتال شاه
۲۹۵	صف کشیدن ارژنگ شاه به سر هیتال شاه
۲۹۶	پیدا شدن نقابدار زردپوش و کشتن نصوح را
۲۹۷	رفتن نسناس زنگی به رزم او
۲۹۸	کشته شد بلال به دست نسناس زنگی
۲۹۹	پیدا شدن نقابدار زردپوش و رزم او با نسناس
۲۹۹	پیدا شدن نقابدار سیه پوش و رزم او با نقابدار زردپوش
۳۰۱	نامه نوشتن هیتال شاه به اکره شاه و آمدن شنگاوه گرد
۳۰۳	صف آرای هیتال با ارژنگ شاه در برابر همدیگر
۳۰۴	رها شدن شهریار از بند هیتال شاه
۳۰۶	خبردار شدن هیتال شاه از بند پاره کردن شهریار و به در رفتن
۳۰۹	بردن شهریار شنگاوه را به پیش ارژنگ شاه
۳۱۱	هنرنمایی کردن فرانک با شهریار
	بخشیدن جام انجم‌نمای با آیین حکمت ارژنگ شاه به شهریار و مجلس آراستن
۳۱۲	ارژنگ شاه با شهریار
۳۱۴	صف کشیدن [سه] لشکر در برابر همدیگر
۳۱۵	رزم شنگاوه با لشکر هیتال شاه
۳۱۷	رزم توبال برادر هیتال شاه با شنگاوه
۳۱۸	رزم توبال با شهریار و کشته شدن توبال

- ۳۱۹ رزم هیتال شاه با شنگاوه
- ۳۲۱ رزم شهریار با نقابدار زردپوش
- ۳۲۴ داستان آمدن ارژنگ شاه به دروازه شهر سرانندیب
- ۳۲۶ قسمت کردن شهریار دروازه‌ها به نامداران
- ۳۲۷ رفتن شهریار به پای قلعه سرانندیب
- ۳۲۸ پیدا شدن نقابدار سرخ‌پوش و جنگ او با شهریار
- ۳۳۰ بازگشت نقابدار سرخ‌پوش و شهریار از یک‌دیگر
- ۳۳۲ آمدن مضراب‌دیو به خیمه شهریار و بردن دلارام
- ۳۳۵ گرفتن سرخ‌پوش ارژنگ را
- ۳۴۰ گرفتن فرانک ارژنگ و بهزاد را
- ۳۴۳ آمدن رسول پادشاه خاور زمین به پیش لهراسپ و شکایت کردن او از ابلیس دیو
- ۳۴۷ خواب دیدن رستم کی خسرو را
- ۳۴۸ رفتن رستم به [نزد] لهراسپ شاه و رفتن به خاور زمین
- ۳۵۱ خبر رسیدن به لهراسپ شاه از کشته شدن جهن افراسیاب
- ۳۵۲ لشکر کشیدن ارجاسپ به لهراسپ شاه
- ۳۵۳ داستان نه بیشه و رفتن شهریار برزوی
- ۳۵۴ رسیدن شهریار به بیشه اول و کشتن فیلان را
- ۳۵۵ رسیدن شهریار به بیشه دوم و کشتن کرگان را
- ۳۵۸ رسیدن شهریار به بیشه سیوم و کشتن نراژدها
- ۳۶۱ رسیدن شهریار به بیشه چهارم و رفتن در پی مور
- رسیدن شهریار به دخمه گرشاسب و خواب دیدن گرشاسب و گذشتن از بیشه
موران ۳۶۶
- رسیدن شهریار به بیشه پنجم و کشتن شیران نر را ۳۶۵
- رسیدن شهریار در بیشه ششم و کشتن غولان را ۳۶۸
- رسیدن شهریار به بیشه هفتم و گرفتن شهریار زنگی را ۳۷۰
- رسیدن شهریار به بیشه هشتم و گذشتن از دریا و کان آهن‌ریا و کان لعل و یاقوت و بستن

۳۷۴	شهریار بوزینگان را.
۳۷۷	رسیدن شهریار به بیشه نهم و گرفتن او سگساران را
۳۸۱	رفتن شهریار به کوه و آوردن دلارام را.
۳۸۴	جنگ کردن شهریار با مضراب دیو و گرفتن شهریار مضراب دیو و بند کردن [او].
۳۸۶	پاره کردن مضراب بند را و گریختن و رفتن شهریار عقب سرخ پوش را.
۳۸۹	جنگ کردن زنگی با سپاه سرخ پوش
۳۹۰	گرفتن سیه پوش زنگی زوش را
۳۹۰	خلاص کردن شهریار زنگی را و خشم گرفتن سیه پوش.
۳۹۲	گرفتن سرخ پوش زنگی را و بند کردن
	پاره کردن زنگی زوش بند را و گریختن از بند سرخ پوش و رسیدن به نزد شهریار
۳۹۴	برزوی
	آمدن پاس و خود برداشتن از سر سرخ پوش و دیدن شهریار فرامرزی یعنی عم پدر
۳۹۸	خود را.
۴۰۳	نامه نوشتن شهریار به فرانک.
۴۰۴	به چاه انداختن فرانک شهریار را
۴۰۶	جنگ کردن لهراسپ با ارجاسپ و گریختن لهراسپ و رفتن به قلعه بلخ
۴۰۷	خبر یافتن زال از آمدن ارهنگ به سیستان و فرستادن زال زر زواره را به جنگ
۴۰۸	جنگ کردن خورشید مینو با سپاه ارهنگ
۴۰۹	زخم خوردن خورشید مینو از ارهنگ
۴۱۱	گرفتن ارهنگ سام و تخاره را و بند کردن و نامه نوشتن زواره به زال.
۴۱۳	جواب نوشتن زال نامه زواره را.
۴۱۴	گرفتار شدن زواره به دست ارهنگ
۴۱۹	جنگ کردن زال با سپاه ارهنگ
	شکستن دست ارهنگ از گرز زال و گریختن ارهنگ و رفتن [از] پیش زال زر
۴۲۰	نزد ارجاسپ.
۴۲۳	بند و زنجیر کردن ارجاسپ یلان را

- ۴۲۵ نامه نوشتن لهراسپ به گشتاسپ.
- ۴۲۷ گرفتن ارجاسپ بلخ را و گریختن لهراسپ
- ۴۳۰ گرفتن ارجاسپ گودرز را و بند کردن
- ۴۳۳ گرفتن ترکان زریر را
- ۴۳۵ جنگ کردن لهراسپ با ترکان.
- ۴۳۸ رسیدن فرامرز رستم پیش لهراسپ شاه.
- ۴۴۰ کشتن فرامرز طهماسب برادر شاه ارجاسپ را.
- ۴۴۴ خواب دیدن زال کی خسرو را و آمدن پیش لهراسپ شاه
- ۴۴۵ فرستادن ارجاسپ ارهنگ را به جنگ فیروز طوس.
- ۴۴۷ گرفتن ارهنگ فیروز طوس را و گریختن لشکر از میدان جنگ
- ۴۴۸ زخم خوردن گشتاسپ از ارهنگ و رفتن به سیستان
- ۴۵۰ گرفتن گشتاسپ جاماسپ را و شناختن مادر خود و رفتن به سیستان
- ۴۵۲ خبر رسیدن به زال زر از آمدن گشتاسپ به سیستان
- ۴۵۳ بریدن دلارام دست مضراب دیو را
- ۴۵۴ آمدن دلارام به قلعه فرانک به رسم سوداگران
- ۴۵۹ طلبیدن دلارام فرانک را به طریق مهمانی به خانه خود
- ۴۶۱ گرفتن دلارام فرانک را و خلاص کردن اردشیر شهریار را از بند
- ۴۶۴ عقد بستن شهریار فرانک را به ارژنگ و رفتن به ایران
- ۴۶۶ روانه شدن شهریار به طرف چین
- ۴۶۸ جنگ کردن پاس پرهیزگار و رسیدن گشتاسپ
- ۴۷۰ به دار کردن ارجاسپ گودرز را
- ۴۷۴ رفتن فرامرز به میدان ارجاسپ و غایب شدن فرامرز.
- ۴۷۶ جنگ کردن خورشید با سپاه ارجاسپ
- ۴۷۸ گرفتن ارهنگ پاس و خورشیدمینو را
- ۴۷۸ کشتن ارهنگ گرگوی و گرگین و گرفتن ارهنگ اردشیر و رویین گرگین را.
- ۴۸۲ جنگ کردن بانوگشسب با ارهنگ و زخم یافتن بانو

جنگ کردن گشتاسپ با ارهنگ و جنگ مغلوبه شدن و زخم خوردن زال	۴۸۲
کشتن شهریار منقاش را	۴۸۵
رفتن شهریار از پی آهوی و رسیدن به کوه آیینه و دیدن شهریار گرد پیر کُهبَد را	۴۸۹
کندن شهریار زمین را و پیدا شدن در آهن	۴۹۲
شکستن شهریار طلسم را	۴۹۴
گرفتن شهریار خاقان چین را	۴۹۵
جنگ مغلوبه شدن	۴۹۷
گرفتن شهریار ارهنگ را	۴۹۸
نامه نوشتن ارجاسپ به شهریار و رفتن شهریار پیش ارجاسپ	۵۰۱
زخم زدن شهریار ارجاسپ را	۵۰۴
کشتن شهریار ارهنگ را و روانه شدن به طرف ایران	۵۰۶
گرفتن اردشیر بیورد را	۵۰۹
رفتن اردشیر [از] پیش زال و فرستادن زال خورشید را عقب او	۵۱۱
رسیدن خورشید به اردشیر	۵۱۳
گرفتن اردشیر خورشید را	۵۱۴
گرفتن شهریار اردشیر را	۵۱۵
نامه نوشتن شهریار به فیروز طوس	۵۲۱
کشتن فیروز الماس را	۵۲۱
گرفتن شهریار فیروز را	۵۲۳
رسیدن راهوی پیش زال و روانه شدن لهراسپ به طرف بلخ	۵۳۰
زخم زدن زواره اردشیر را و اردشیر زواره را	۵۳۱
کشتن اردشیر ایرم را	۵۳۴
کشتن اردشیر ایرمان را	۵۳۵
گرفتن راهو اردشیر را	۵۳۶
خلاص کردن شهریار اردشیر را از بند	۵۳۷
کشتن شهریار راهوی را	۵۴۱

- ۵۴۲ گرفتن شهریار سام را
- ۵۴۳ گرفتن شهریار زواره را
- ۵۴۴ گرفتن شهریار پاس را
- ۵۴۵ نامه نوشتن زال به شهریار و فرستادن به دست جاماسپ وزیر
- ۵۴۶ پرسیدن شهریار احوال از جاماسپ و گفتن او احوال را و بند کردن شهریار او را
- ۵۴۹ جواب نوشتن شهریار نامه زال را
- ۵۵۰ آمدن شیرویه به پیش زال زر
- ۵۵۰ هنر نمودن شهریار در میدان از برای دیدن زال
- ۵۵۱ رزم زال زر با شهریار و تعریف نمودن زال شهریار را پیش شاه لهراسپ
- ۵۵۵ رسیدن نامه ارژنگ به شهریار و روانه شدن شهریار به طرف سرند
- ۵۵۷ نامه نوشتن شهریار به زال زر و خلاص کردن جاماسپ را
- ۵۵۸ کشتن شهریار جیپال را
- ۵۶۱ رفتن فرامرز به پیش تسلیم و رسیدن به پیش او
- ۵۶۴ کشتن فرامرز رستم مضراب دیو را
- ۵۶۸ دادن تسلیم شاه دختر خود را به فرامرز پسر رستم زابلی
- ۵۷۱ رسیدن فرامرز به شهر خرم آباد
- ۵۷۴ رسیدن رستم زال پیش انکیس شاه
- ۵۷۶ کشتن رستم بلقاس را
- ۵۷۸ رسیدن رستم زال به مکان دیو
- ۵۸۱ خواب دیدن رستم زال [را]
- ۵۸۴ رسیدن رستم به مرد پیر و وصیت مرد پیر
- ۵۸۷ رفتن رستم به گنبد و شنیدن صدای رخس
- ۵۸۸ گرفتن رستم ابلیس دیو را
- ۵۹۱ رها کردن رستم ابلیس دیو را و پشیمان شدن
- ۵۹۳ درآوردن رستم رخس را از چاه
- ۵۹۵ روانه شدن رستم به طرف خاور

فهرست مطالب ۲۱

۵۹۶	آوردن فرامرز رخس رستم و اندوهگین شدن
۶۰۰	گرفتن رستم ابلیس را بار دیگر
۶۰۴	جنگ کردن فرامرز با غلامان مهر شاه
۶۰۹	جنگ کردن فرامرز با سپاه انکیس
۶۱۰	جنگ کردن فرامرز با رستم و افتادن خود از سر فرامرز و معلوم شدن
۶۱۴	جدا کردن انکیس پیشکش برای لهراسپ شاه
۶۱۵	گرفتن زال اردشیر و جمهور را به کمند
۶۱۹	خبر دادن دیده بان به پور طوس از آمدن لشکر
۶۲۰	گرفتن شهریار بهرام طوس و فیروز طوس را
۶۲۱	آمدن شهریار یل و گرفتن رهام را
۶۲۲	جنگ کردن زال با شهریار
۶۲۶	برگشتن زال از جنگ
۶۲۸	خبر آمدن به نزدیک زال از آمدن رستم از خاور
۶۳۰	صف آراستن زال در برابر شهریار
۶۳۱	گرفتن اردشیر رهام و رویین را
۶۳۳	گرفتن [زال] اردشیر را و آمدن شهریار و جنگ کردن با زال
۶۳۷	رسیدن ارژنگ به پیش شهریار
۶۳۸	رسیدن نامه لهراسپ به زال و رستم
۶۴۱	رزم رستم با شهریار و نامه نوشتن ارژنگ به زال که این جوان شهریار [است]
۶۴۸	آمدن رستم به پیش لهراسپ شاه
۶۴۹	خبر آمدن به لهراسپ از سخره
۶۵۲	آمدن رسول سلیمان علیه السلام به پیش لهراسپ
۶۵۵	بستن زال رسول سلیمان علیه السلام را
۶۵۶	گفتن شهریار فیروز طوس را که پیش لشکر برود
۶۵۷	گرفتن طلحه فیروز طوس را
۶۵۹	فرستادن اردوان طلحه را به سر پل

- ۶۶۰ گرفتن شهریار طلحه را و گذشتن از پل
- ۶۶۱ خبر رسیدن به شاه مازندران از گرفتن پل
- ۶۶۳ نشان دادن مادر سخره از گرز و کمان دیوسفید
- ۶۶۳ نامه نوشتن شهریار به شاه مازندران
- ۶۶۴ صف آراستن دو لشکر
- ۶۶۵ جنگ کردن بیورز با آجیر و کشته شدن بیورز
- ۶۶۵ کشتن شهریار آجیر را و دریدن صف سپاه
- ۶۶۸ رفتن شهریار به شکار و خبر یافتن از سخره
- ۶۷۱ جنگ کردن شهریار با سخره و زخم خوردن از یکدیگر
- ۶۷۲ رسیدن سخره به پیش اردوان
- ۶۷۵ فرستادن اردوان نگین پیش اردشیر که شهریار کشته شد
- ۶۷۷ گریه کردن پهلوانان برای شهریار
- ۶۷۸ روان شدن لهراسپ به طرف مازندران
- ۶۷۹ رسیدن لهراسپ به سر آب و عاجز شدن ایرانیان
- ۶۸۱ آب بردن فرامرز و زال را
- ۶۸۲ کشتن رستم سیپور را
- ۶۸۴ خواب دیدن رستم کی خسرو را
- ۶۸۵ بستن پل بار دیگر و گذشتن لشکر از آب و رسیدن
- ۶۸۷ بیهوش شدن شهریار و بردن مرد دهقان شهریار را به خانه خود و آمدن به هوش
- روانه شدن شهریار به طرف آمل و جنگ کردن شهریار با سپاه اردوان و دیدن فیروز و
- ۶۹۰ گفتن احوال او
- ۶۹۳ شیخون کردن شهریار با سپاه اردوان و کشتن ماهوی را
- ۶۹۵ نامه نوشتن اردوان به لهراسپ شاه
- ۶۹۶ نامه نوشتن لهراسپ به اردوان شاه مازندران
- آمدن سخره دیو به میدان و گریختن اردشیر از میدان و رسیدن شهریار و جنگ
- ۶۹۷ کردن

فهرست مطالب ۲۳

۶۹۸	جنگ کردن شهریار با سخره و زخم خوردن.....
۷۰۳	طلبیدن پادشاه مازندران اردوان، جادو را.....
۷۰۵	بیرون آمدن زال از آب و رسیدن به قلعهٔ تجاو.....
۷۰۷	جنگ کردن زال با تجاو و گرفتن او را و گفتن زال نام خود را و خلاص دادن او را.....
۷۰۹	بیرون آمدن فرامرز از آب و جنگ کردن [با] سپاه اردوان و گرفتن شیرزاد را.....
۷۱۱	جنگ کردن سخره با شهریار و گرفتار شدن شهریار.....
۷۱۲	به در رفتن رستم از پی سخره دیو.....
۷۱۳	آمدن فرامرز پیش لهراسپ و آوردن شیرزاد پسر اردوان را.....
۷۱۵	آمدن رستم به خانهٔ دهقان.....
۷۱۶	خواب دیدن رستم زال لهراسپ پریشان را.....
۷۱۷	جنگ کردن رستم با زال و دیدن همدیگر را.....
۷۲۰	جنگ کردن زال با فرامرز.....
۷۲۲	صف کشیدن [لهراسپ] و شاه مازندران.....
۷۲۴	نامه نوشتن شاه مازندران به ارجاسپ.....
۷۲۵	آمدن فرامرز و ارژنگ و زال به پیش رستم و خبر دادن که لهراسپ را جادو ببرد.....
۷۲۸	پیغام فرستادن رستم به اردوان.....
۷۲۹	جواب دادن اردوان [نامه] رستم زال و بند آوردن پسر خود را.....
۷۳۲	فرستادن اردوان جادو را به جنگ رستم.....
۷۳۲	جنگ کردن رستم با اردوان جادو و گریختن جادو.....
۷۳۴	رفتن رستم به غار و کشتن جادو را.....
۷۳۶	کشتن رستم اردوان را.....
۷۳۷	آوردن رستم سر شاه مازندران را به پیش پادشاه.....
۷۳۹	روانه شدن لهراسپ به ایران و ماندن شهریار به آمل.....
۷۳۹	کشتن فرامرز تگین تاش را.....
۷۴۰	صف آراستن لهراسپ و ارجاسپ.....
۷۴۰	برداشتن فرامرز ارجاسپ را از زین و رها شدن او.....

۷۴۳	گریختن ارجاسپ
۷۴۶	گرفتن شهریار سخره را
۷۴۷	فرستادن لهراسپ زال زر را به پیش سلیمان پیغمبر علیه السلام
۷۴۹	رفتن لهراسپ به بلخ و نشستن به شاهی
۷۵۱	پرسیدن سلیمان علیه السلام سه مثل از زال و آزمایش کردن زور او

۷۵۵	تعلیقات
۷۵۷	تعلیقات

۸۴۵	واژه نامه
-----	-----------

۸۵۳	نمایه
۸۵۵	نمایه نام اشخاص
۸۶۵	نمایه شهرها، کوهها، رودها
۸۷۱	نمایه جانوران
۸۷۷	منابع

سراغاز

شهریارنامه یکی از منظومه‌های پهلوانی ادوار متأخر است و مانند دیگر متون مشابه، به تقلید از شاه‌نامه فردوسی سروده شده است اما متأسفانه اقبال آن را نداشت که چندان مورد توجه مردم قرار گیرد و امروز هم روایت‌های نقالی / شفاهی اندکی از آن به دست ما رسیده است و هم دست‌نویس‌های آن انگشت‌شمار است. با وجود آن‌که سال‌ها پیش برخی منظومه‌های پهلوانی مانند بهمن‌نامه، فرامرزنامه، سام‌نامه و جهانگیرنامه، در هند چاپ سنگی شد اما به دلیل دشواریابی این کتاب‌ها و یا چشم‌آزار بودن حروف چاپ سنگی، کمتر پژوهشگران به این آثار روی آوردند و برای سالیان سال، عمده آگاهی‌های آن‌ها درباره این متون، منحصر به همان معرفی کوتاه و مختصری بود که مرحوم ذبیح‌الله صفا در کتاب ارزنده خود، حماسه‌سرایی در ایران آورده بود، تا این‌که تصحیح علمی و انتقادی منظومه‌های یادشده در دو سه دهه اخیر، سبب شد که در چند سال گذشته پژوهش‌های دقیق‌تری درباره ادب حماسی ایران انجام پذیرد و از برخی نکته‌های مبهم این حوزه ادبی گره‌گشایی شود.

شهریارنامه در شمار آن دسته متون پهلوانی ایران است که مبهمات بسیاری دارد. از زمان نخستین پیرایش متن این منظومه، بیش از پنج دهه می‌گذرد که از نظر قدمت، دارای جایگاه دوم پس از گرشاسب‌نامه است و حال آن‌که پیشینه تصحیح انتقادی دیگر متون پهلوانی مشابه، اندکی بیش از سه دهه است. بر پایه قراینی که در دست داریم ظاهراً دو تحریر بلند و کوتاه از این منظومه، در دست است و تحریر

بلند آن که حدود هجده هزار بیت دارد از نظر شمار ابیات، جایگاه چهارم را پس از برزوانامه جدید، شاهنامه فردوسی و زرین‌قبانامه دارد.

سرگذشت پیرایش متن شهریارنامه با دیگر متون پهلوانی ایران تفاوت دارد؛ زیرا اگرچه پیرایش حاضر فاصله زمانی بسیاری با تصحیح دوم آن دارد اما به دلیل افتادگی‌های بسیار نسخه‌های تاکنون شناخته شده آن، همچنان نواقص و افتادگی‌های متن این منظومه بسیار است. شایان ذکر است اگرچه پایان منظومه‌های پهلوانی دیگری مانند فرامرزننامه (کوچک) و روایت دوم برزوانامه جدید هم ناقص است و داستان‌شان ناتمام می‌ماند اما تفاوت آن‌ها با شهریارنامه در این است که به درستی نمی‌دانیم عمر گویندگان این دو منظومه در آن حد بود که سروده خود را به پایان رسانند یا خیر، حال آن‌که بر پایه ابیات پایانی یکی از نسخ شهریارنامه، یقین داریم که سراینده این منظومه، سرایش آن را به پایان رسانده و داستان را ناتمام نگذاشته است.

پیرایش شهریارنامه، اندکی بیش از دو سال زمان برد. نگارنده در چند ماه آغازین کار، گذشته از خواندن دست‌نویس دشوار و پر غلط نویافته این منظومه، درصدد دست یافتن نسخه کتابخانه بانکپور و همچنین به دست آوردن روایاتی نقالی / شفاهی از آن بود اما متأسفانه با همه تلاش‌هایی که در این راه کرد دسترسی به نسخه بانکپور برایش مقدور نشد و تنها موفق به یافتن دو روایت عامیانه از آن شد.

در تصحیح و پیرایش این متن، از راهنمایی و لطف شماری از استادان و دوستان خود بهره‌مند شدم که از بن جان سپاسگزار ایشانم: دوست نازنین و شاهنامه‌شناس، دکتر ابوالفضل خطیبی، نسخه‌های شماری متون حماسی را برایم فرستادند و مرا در به دست آوردن برخی منابع یاری نمودند. استاد فرهیخته، دکتر اکبر نحوی، نکته‌های سودمندی را درباره زمان تقریبی سرایش شهریارنامه، یادآور شدند. سرور ارجمند دکتر محمود امیدسالار با ژرف‌نگری به پرسش‌های نگارنده پاسخ دادند و برخی نکته‌های ارزشمند را درباره ابیات شهریارنامه متذکر شدند. دوست فرهیخته و گرامی، دکتر سجّاد آیدنلو، به پرسش بنده درباره چند بیت شهریارنامه در رابطه با مذهب شاعر، پاسخ عالمانه‌ای دادند و با فروتنی و سعه صدر همیشگی خود، در

تهیه و ارسال چند مقاله اهتمام ورزیدند. دوست فاضل و شاه‌نامه‌پژوه، دکتر آرش اکبری مفاخر، از روی بلندهمتّی خویش، بخش‌هایی از متن هفت‌لشکرگردی را که مرتبط با روایات شهریارنامه است پیش از چاپ این اثر در اختیار بنده گذاشتند. نگارنده بر خود فرض می‌داند از جناب دکتر محمّد افشین وفایی و همکاران محترم ایشان سپاسگزاری کند که با انتشار این کتاب در سلسله انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار موافقت نمودند، همچنین از سرکار خانم زینب نورپور تشکر می‌کند که کارهای صفحه‌آرایی و غلط‌گیری متن کتاب را به نحو احسن به انجام رسانیدند.

در پایان از همسر مهربانم که از آغاز تا انجام پیرایش متن، شکیبایی نمود و مرا با مهربانی‌های خود در راهی که در پیش داشتم یاری رساند صمیمانه سپاسگزارم.

رضا غفوری

دانشگاه حضرت نرجس (س) رفسنجان

اردی‌بهشت ۱۳۹۶

مقدمه

۱. واژه شهریار و معنای آن

شهریار پسر برزو پسر سهراب پسر رستم دستان، یکی از پهلوانان بزرگ متون پهلوانی ایران است. واژه شهریار در لغت به معنای «کلاتر و بزرگ شهر، نگهبان شهر، شاهزاده، پادشاه بزرگ و شاهی که از همه شاهان بزرگتر است»^۱ آمده است. این واژه در ایرانی باستان به صورت xšaθra-dāra (به معنای دارنده شهریاری) و در پهلوی به گونه‌های šahryār و šahridār آمده است.^۲ این واژه در شاهنامه در معنای عام خود، به دو گونه مفرد و مرکب آمده است.^۳ در لغت‌نامه‌های گذشته، واژه شهریار در معنای خاص نیامده است؛ برای نخستین بار در بخش اعلام فرهنگ فارسی معین شهریار فرزند برزو خوانده شده^۴ و این نکته از آن جا به لغت‌نامه دهخدا راه یافته است.

۲. خانواده شهریار

برپایه شهریارنامه، شهریار فرزند برزو است و این پهلوان پیش از به دنیا آمدن فرزند،

۱. ر.ک: دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، ذیل شهریار

۲. ر.ک: مکنزی، دیوید نیل؛ فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ص ۱۴۱؛ نیبرگ، هنریک سمونل؛ دستورنامه پهلوی،

جلد ۲، ص ۱۸۳؛ حسن دوست، محمد؛ فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، جلد ۳، ص ۱۹۲۸

۳. ر.ک: ولف، فریتس؛ فرهنگ شاهنامه فردوسی، صص ۵۸۳-۵۸۱؛ رواقی، علی؛ فرهنگ شاهنامه، جلد ۲،

صص ۱۶۳۶

۴. ر.ک: معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، جلد ۵، ص ۹۴۲

از دنیا رفته است. در روایات پهلوانی ایران، چند فرزند به برزو نسبت داده‌اند که عبارت است از:

الف. تمور/ تیمور از حوری‌لقا دختر شاه خوارزم^۱؛ ب. کریمان از مهر نسرین عذار^۲؛ ج. جهانسوز از مهر نسرین عذار دختر طغان شاه خطایی^۳؛ د. شهریار از مهر/ فهر سیمین عذار^۴ دختر گرسیوز.

در حدود بررسی‌های نگارنده، در میان متون پهلوانی تاکنون انتشار یافته و شماری از دست‌نویس‌های طومارهای نقّالی، تنها یک‌بار به مهر سیمین عذار مادر شهریار، اشاره می‌شود.^۵ در چند دست‌نویس شهریارنامه هم که در اختیار داریم به این نام اشاره‌ای نشده است، اما بر پایهٔ بیت زیر از این منظومه، می‌توان گفت مادر شهریار، همان مهر/ فهر سیمین عذار دختر گرسیوز است:

دگر مام او دخت گرسیوز است بدین‌گونه هم‌اصل و هم‌پروز است
(ب ۴۶۶۷)

شایان ذکر است اگرچه در برزوانهٔ جدید و شماری از روایات نقّالی آن، به داستان دلدادگی برزو به مهر/ فهر سیمین عذار، ربوده شدن این دختر به دست رستم یک‌دست و رفتن پهلوانان سیستان به مازندران برای به دست آوردن او، به تفصیل اشاره می‌شود، اما در همهٔ این متون، تنها به این نکته اشاره می‌شود که سرانجام برزو

۱. در بیشتر روایات عامیانه، نام این دختر حوری‌لقا است. ر.ک: عطایی؛ برزوانهٔ جدید، مجلس، برگ ۳۸؛ هفت‌لشکر، ص ۳۱۸؛ مشکین‌نامه، ص ۱۴۰؛ رستم‌نامه، ص ۱۴۰، اما در یک روایت مه‌لقا نام دارد. (ر.ک. طومار شاه‌نامهٔ فردوسی، جلد ۲، ص ۸۵۱) در روایت دیگری نیز دختر خسرو شاه خوارزمی خوانده شده است بدون آن‌که نامی از او برده شود. ر.ک: نثر نقّالی شاه‌نامه، ص ۱۶۹

۲. ر.ک: زرّین‌قبا‌نامه، صص ۴۷۹ و ۵۸۰؛ داستان عشق‌ورزی‌های برزو به مهر نسرین عذار و ماجراهایی که در این راه برای او روی می‌دهد در روایت دوم برزوانهٔ جدید به تفصیل آمده است.

۳. ر.ک: عطایی؛ برزوانهٔ جدید، نسخهٔ آنکتیل دوپرون، برگ ۲۴۷ الف؛ در زرّین‌قبا‌نامه، جهانسوز فرزند سهراب خوانده شده است. ر.ک: زرّین‌قبا‌نامه، ص ۱۲۷۲

۴. در یکی از شاه‌نامه‌های کردی، این دختر مهر جهانسوز نام دارد. ر.ک: کبرزوانه، شاه‌نامهٔ کردی، ص ۴۳

۵. ر.ک: طومار کهن شاه‌نامه، ص ۸۷۵

با مهر/فهر سیمین عذار ازدواج می‌کند^۱ و پس از ذکر این نکته که به اختصار هم بیان می‌شود، به داستان‌های دیگر برزو می‌پردازند حال آن‌که در دیگر جاها، هنگامی که ازدواج وزفاف پهلوانان را روایت می‌کنند اگر این نکته را هم به اختصار بیان کنند بی‌درنگ پس از آن، جملاتی با این مضمون (همان شب نطفه فلان پهلوان در رحم دختر بسته شد)^۲ آورده می‌شود اما در روایات برزوانه جدید، پس از اشاره به ازدواج برزو با مهر/فهر سیمین عذار وزفاف آن دو، از فرزند آینده آن‌ها سخنی به میان نمی‌آید. ظاهراً دلیل خاموشی نقّالان در این بخش از داستان‌های برزو این است که یا آن‌ها شهریار فرزند برزو را نمی‌شناختند و یا آن‌که با نام او آشنایی داشتند، اما به این دلیل که گزارش پهلوانی‌هایش را نمی‌دانستند از یادکرد او چشم‌پوشی کردند. در بخش‌های آینده به این مطلب بیشتر خواهیم پرداخت.

۳. شهریارنامه و نام آن در نسخه‌ها

در ابیات پایانی دو نسخه از چهار نسخه شناخته شده شهریارنامه^۳، نام این منظومه به صورت مقلوب آمده است:

به سر شد کنون نامه شهریار به توفیق یزدان پروردگار^۴
 به سر شد کنون نامه شهریار ^۵

۱. ر.ک: طومار نقّالی شاهنامه، ص ۶۸۵؛ طومار شاهنامه فردوسی، ص ۸۳۸؛ هفت‌لشکر، ص ۳۰۲

۲. برای دیدن نمونه‌هایی از این سبک روایت؛ ر.ک: طومار کهن شاهنامه فردوسی، ص ۸۷۵؛ نشر نقّالی شاهنامه، ص ۴۵ و ۱۹۳

۳. منظور از چهار نسخه شناخته شده شهریارنامه نسخه‌های بانکپور، کتابخانه ملّی، چاپکین و کتابخانه بریتانیا است که در پایان این فصل به معرفی آن‌ها می‌پردازیم.

۴. شهریارنامه، دست‌نویس کتابخانه بریتانیا، برگ ۲۸ الف

۵. ر.ک:

نخستین بار چارلز ریو (۱۹۰۲-۱۸۲۰م) در «فهرست دستنویس‌های فارسی موزه بریتانیا»، این منظومه را بر پایه بیت یادشده با نام «شهریارنامه» معرفی کرد،^۱ پس از او عبدالمقتدر نیز در جلد یکم ذیل فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه بانکپور از این منظومه با نام شهریارنامه نام برد. گذشته از این که در ابیات بالا صریحا به «نامه شهریار» اشاره می‌شود آن چنان که برخی پژوهشگران هم اشاره می‌کنند در سنت ادب حماسی ایران، منظومه‌هایی مانند بهمن‌نامه، فرامرزنامه، کوش‌نامه، برزوانه، بانوگشسب‌نامه، بیژن‌نامه و... با نام قهرمان اصلی آن نام‌گذاری شده است هر چند که پهلوانان دیگری نیز در کنار قهرمان داستان، نقش بسزایی دارند.^۲ بنابراین اگر بر منظومه مورد بحث نیز که هسته اصلی آن، گزارش پهلوانی‌های شهریار در سرزمین‌های گوناگون است نام «شهریارنامه» گذاشته شود، نادرست نیست.

۴. سراینده شهریارنامه

به جرأت می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین و بحث‌برانگیزترین نکته‌ها درباره شهریارنامه، بحث گوینده و زمان سرایش این منظومه است. در نسخه‌های موجود به دو شاعر متفاوت اشاره می‌شود:

الف. انتساب شهریارنامه به عثمان مختاری

در حدود بررسی‌های نگارنده، نخستین بار چارلز ریو بر پایه ابیات پایانی دستنویس بریتانیا، گوینده شهریارنامه را سراج‌الدین عثمان بن محمد مختاری غزنوی (۴۶۹ یا ۴۵۸ الی ۵۱۲ یا ۵۴۸ ه.ق) شاعر سده‌های پنجم و ششم معرفی کرد.^۳ ابیاتی که در پایان نسخه مذکور آمده چنین است:

به سر شد کنون نامه شهریار به توفیق یزدان پروردگار

۱. ر.ک:

Rieu, Charles, *Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum*, p542: Vol3

۲. ر.ک. زرین‌قبا، مقدمه، ص ۹؛ همچنین ر.ک: امیدسالار، محمود؛ «شهریارنامه»، مزدک‌نامه، جلد ۴، ص

۳. ر.ک: ریو، چارلز؛ همان، ص ۵۴۲

شها شهریارا سرا سرورا
 چو فرمودیم داستانی بگوی
 سه سال اندر این رنج برداشتم
 به نظم آوریدم به اقبال شاه
 که تاجت فروزنده چون هور باد
 گل باغ و بستان محمودشاه
 چو مختاری آن بارور داستان
 گرم هدیه بخشی در این بارگاه
 شوم شاد و افزون شود جاه تو
 و گر هدیه ندهی ایا شهریار
 زبان من از هجو کوتاه باد
 از آن جا که ژول مول (۱۸۷۶-۱۸۰۰ م) چند سالی پیش از پژوهش ریو، کار
 تصحیح شاهنامه را به پایان رسانده بود در دیباچه کتاب خود، هنگام معرفی و
 بررسی حماسه‌های پهلوانی پس از شاهنامه، نامی از شهریارنامه نمی‌برد.^۱ به
 احتمال بسیار این خاورشناس فرانسوی، در زمان حیات خود، نامی از این منظومه
 نشنیده و یا به دستنویس‌های آن دسترسی نداشته بود. پس از ریو، شماری از
 پژوهشگران شهریارنامه را به تقلید از او، به عثمان مختاری نسبت دادند.^۲ در ایران
 هم این گفته ریو وارد بسیاری از کتاب‌ها و مدخل‌های دانش‌نامه‌ها شد.^۳
 ب. انتساب شهریارنامه به فرخی سیستانی
 روزگاری چند از انتساب شهریارنامه به عثمان مختاری نگذشته بود که

۱. ر.ک. مول، ژول؛ دیباچه شاهنامه، صص ۵۳-۳۴

۲. ر.ک: نولدکه، تودور؛ حماسه ملی ایران، ص ۲۳۶؛ ریکا، یان؛ تاریخ ادبیات ایران، جلد ۱، ص ۳۲۱، اته،

هرمان؛ تاریخ ادبیات فارسی، ص ۵۷

۳. برای دیدن شماری از این پژوهش‌ها؛ ر.ک: صفا، ذبیح‌الله؛ حماسه‌سرایی در ایران، ص ۳۱۱؛ خانلری، زهرا؛

فرهنگ ادبیات فارسی، ص ۳۰۸؛ مصاحب، غلام‌حسین؛ دایرةالمعارف فارسی، جلد ۲، ص ۱۵۱۵

عبدالمقتدر در ذیل فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه بانکپور (خدا بخش)، هنگام معرفی نسخه نسبتاً کاملی از شهریارنامه، این منظومه را به فرّخی سیستانی نسبت داد. در حدود بررسی‌های نگارنده، در میان خاورشناسان تنها یان ریپکا و میلوش برسکی هستند که این انتساب را با قید احتمال و تردید پذیرفته‌اند.^۱ این دست‌نویس با بیت زیر آغاز می‌شود:

به نام خداوند هشت و چهار بیپوستم آغاز این یادگار
ابیات پایانی دستنویس بانکپور هم چنین است:^۲

در خاتمه شهریارنامه

.....	به سر شد کنون نامه شهریار
که تا این درآمد سزاوار گنج	دو شش سال بردم بدین نامه رنج
.....	سپاس آن‌که این نامه انجام یافت
کسی را که این دفتر از راستان	بداردش یزدان بلند از جهان
.....	به دست اندر آید دعایی بخوان
به نیکی به هر جا شمارد مرا	به آمرزشی یاد دارد مرا
.....	بماند بسا این سخن یادگار
نتابد به من ماه و ناهید و هور	که من زیر این خاک باشم به گور
.....	چو زین نامه پرداختم خامه را
که رفت از پدر، خشمگین [همچو باد]	ز گشتاسب آمد سخن‌ها به یاد
.....	چو رفت از در شاه گشتاسب خوار

۱. ر.ک: ریپکا، یان؛ تاریخ ادبیات ایران، جلد ۱، صص ۳۰۷، ۳۲۱ و ۳۳۰؛ یوسفی، غلام‌حسین؛ فرّخی سیستانی،

بحثی در شرح احوال و روزگار و شعرا، ص ۷۷

۲. زنده‌یاد دکتر غلام‌حسین یوسفی در گزارشی که از کتاب عبدالمقتدر داده برخی ابیات مربوط به داستان گشتاسب را حذف کرده‌اند، اما نگارنده همه ابیات مندرج در فهرست عبدالمقتدر را برای آگاهی بیشتر پژوهشگران، آورده است.